



دورنمای صخره نگاره شیرین

پیشینه شناسایی نگارکندهای الیمایی

چند سال پیش از آنکه اوستین هنری لایارد با کاوش‌های درخاشان کاخ‌های سناخرب (Senacherib) و آشوریاتی بال (Ashur Banipal) را نیتوکرش و باستان‌شناسی پراوازه گردید سفر به خاور میانه و خلعرا برای دیدار عمومی وکیلش در سیلان از طریق مرزهای خاوری ایران. پس از دو ماه زندگی در بغداد و اشترانی کمی با زبان فارسی پوشان ایرانی بر تن در تاریخ ۳ زوئن ۱۸۲۴ م. از کرمنشاه راهی ایران شد و در اردوجاه سلطنتی همدان، سرانجام به قرمان محمدنشاد قاجار اجراه سفر در ایران را به دست آورد و کمی پس از آن سر از سرزمین بختیاری درآورد.

لایارد با پشتیانی محمد تقی خان چهار لنجخان قدر تند و محبوب بختیاری که با سلحون کردن هوانداریش در قلمه تل Ouleh-Tel با غملک Baghmalek برای خود دم و دستگاهی به راه اشداخته بود و خطسری علیه دولت قاجار به شمار می‌آمد تا سال ۱۸۴۲ سراسر خاک بختیاری را در نورددید

دیرین کشف کرد^۱

لایارد در سال ۱۸۴۱ نگارکندهای شناخته ایلامی: اشکفت سلمان Shakaft-e Salman و کول فره Kul-e Farah یا خونک آزدر Xung-e Azbdar^۲ را که تا چندی پیش یادمانی از روزگار ساسانیان داشته می‌شد در مالیر (مال امیر) (Mal Amir) (Mâlîmîr) که شهر باستانی ایذه کوتولی در استان خوزستان است کشف کرد.^۳ در سال ۱۸۴۲ هم نگارکندهای الیمایی تنگ بستان Tang-e Butan یا تنگه پشها را در شیمیار Shimbar (کتاره ایبل زرده Zerde) در کوه‌هاران شالی مسجد سلیمان شناسایی کرد.^۴ لایارد را باید نخستین کاشف نگارکندهای الیمایی دانست او در کتاب: "ماجراهای اولیه در پارس و شوشان و بابل" نیز بدان‌ها اشاره کرده است همزمان باگشت و گذار لایارد در کوهستان‌های بختیاری به سال ۱۸۴۱ پارون کلست اگوستوس دوبودبیر اول سفارت روسیه تزاری در تهران که با پادر میانی او در اردوجاه شاهی لایارد توانست به سرزمین بختیاری راه یابد برای نخستین بار نگارکندهای چهارگانه تنگ سروک Tang-e Saruk را در نزدیک بجهان شناسایی و با طرح هایی از آنها در کتابش سرفراش لرستان و خوزستان معروفی نمود.^۵

یکصد و بیست سال پس از آن باستان‌شناسان نگارکندهای میانی را از روزگار الیمایی ها در کوه‌هاران سرزمین بختیاری (از گرس میانی) شناسایی کردند که در ایجات تهابه آنها اشتره می‌کنند. شوک Kuh-e Taraz و لویی والدبرگ در سال ۱۹۶۴ نگارکنده کوه تازار Kuh-e Bard-e But-e کوه تیتا Tita را در کتاره ایبل راه زرده Zerde^۶ که از شیمیار می‌گذرد کشف کرد.

رمان گیرشمن میز به نگارکندهایی که در نماهای بنا و ستون‌های پیشگاهی در برداشته مسجد سلیمان به کار رفته بود در سال ۱۹۶۵ دست یافت.^۷ از آن پس باستان‌شناسان ایرانی نگارکندهای دیگری را کشف کردند که بدانان هم اشاره می‌شود (به نمایه شماره یک، فهرست نگارکندهای شناخته شده و توانافته الیمایی بستگیرید).

علی آکس کارگر سرگوار در سال ۱۲۵۲ خ با گاوشن کوتاه مدت در تپه کلکه Gah مسجد سلیمان، نگارکنده را بر نمای صخره‌ای بنای

نگارکنده نویافته الیمایی "شیرینو"

جعفر مهرکیان

نقش بر جست اسلامی شیرین

چهارم مهرگان در سال ۱۳۶۶ نگارکنند شیوند Shairvand را در دامنه شالی کوه مونگشت Mongast (شهرستان ایله) کشف کرد او همچندین دو سال بعد ۱۳۶۸ نگارکنند شیرین‌توموری Shirin or Mori و چندی بعد نگارکنند به شووه الکی را در کاراه ایله راه دربرین شیرین و چندی بعد نگارکنند به شووه الکی باز بارافت Yashow-e Algi Barofت شریعته و قاتل جانجایی: تو می‌بینیں Tis بالا به نگارکندهای برسنگ تراشیده و قاتل جانجایی: تو می‌بینیں young داشت سوسن^{۱۱} و نگارکنند سوردتگ زمزد^{۱۲} Moord-e Tang-e Zeer

در اینجا به نگارکنند پادشاه شیرین‌توموری که باید آن را در زبانه با ایله راه باستانی شیمار- زرده و نگارکندهای نیک پستان شیمار، تازار و پردهت کوهه تبا و همچنین نگارکنند نوایات به شووه الکی تبا مقابله کرد می‌پردازیم.

گوشه‌های زاگرس تحصیل کرده است.^{۱۳}
طایفه بزرگ موری^{۱۴} که پاییز و زمستان را در پیرامون مسجد سلیمان سیری می‌کند با کوچ از پایان فروودین‌ماه، بهار و تابستان را برای چیزی بهتر در ماراثت پراکنده می‌شوند و دکبار از پاییز به قشلاق‌شان در مسجد سلیمان روایه می‌شوند.

بارافت از سویی گذرگاه دیگر گوچگران بختاری است طایفه‌های بهادران^{۱۵}، پلادی^{۱۶}، بوبای‌احمدی^{۱۷} از آن جمله‌اند که چندین سده است در مسیر ایله راه مسار^{۱۸}- رزده^{۱۹} با خل دامهای خود گذرگاههای سخت بازافت را زیر یا می‌گذارند عال کونون^{۲۰} با کوچ فصلی از قشلاق به پیلاق و از بازافت سرددیسر تا خوزستان گرسنگر، سه به قاصده شاخه‌های از طایفه‌های بختاری، گاه سخن از یکماده به درازا می‌کشد ایله راههای بختاری از گشت شارند^{۲۱} گاه چند ایله راه در یک گذرگاه جمسات‌صور به هم پیوسته سیس از هم چنان‌شوند همواره تسلط بر گذرگاهها یکی از وجوده قدرت بوده است. اینکه مسیر کوچ شاخه‌ای از بختاری‌ها کوتاه‌ترین فاصله است و یا طولانی تر است بدین سبب می‌تواند باشد که ریشه‌های تاریخی خاردار بیشتر کشمکشها و جنگ و جمال و استقامه‌جوانی ها بر سر دستیابی به اینگونه از گذرگاهها و با

مواضع و سیار تعیین کننده بوده است.^{۲۲}

بازافت^{۲۳} کوچ گاه و گذرگاه کوچ راه زرده بازافت در جهادهای سیاسی استان کوشی چهارمحال و بختاری، دهستانی در شمال باختیری شهرستان فارسان است. این دهستان نامش را از رود بازافت وام گرفته است. رود بازافت، از جسمه سارلن قله‌های برف پوش زرد کوه و هفت تنان^{۲۴} در رشته کوه راگرس می‌سچشم می‌گیرد و با پذیرفتن جویبار فراوان در میانه دره دزارین آن کوهها و کوه سفید به سوی خاور روایه می‌شود و با درآمیختن چند رود دیگر^{۲۵} به نام کارون با پیوختن به جنوب باختیری، سینه کوه و دشت را تا پیوستن به خلیج فارس می‌شکافد و پیش می‌رود.

بازافت سرزمینی پیلاق، با زمانهای سرد و شبانهای خوش اب و هوا و سرسیاست آب و هوا مناسب و پیوستی از مراتع و درختان جنگلی همچون بلوط، لکخونک، پسته و بادام و زالزال و دیگر گوشه‌های گلبهی - صعنی در مسایلک طبیعی خوزستان گرم، آنجارا مطلعوب گوچگران بختاری خوزستان ساخت است نه چندین سده بلکه چندین هزار سال است که کوهه گوشی آب و هوا و مستان سرد شال و تابستان گرم جنوب راگرس میانی زنگی کوچ‌نشینی را به دامغان



پیکره، اوئین هری، لاپاره، شکس





موضعیت مکار کندهای شیرین و سردی اینکی در برابر چهار سهلان و محاذی.

آن درآمده است در شیرین و پیش از آستانه تنگه همانجا گی که
طلبعت آن را همچون پناهگاهی امن از گزند برخی خطرات معمون
ساخته است

آب گوارای شیرمنو و چند درخت دست گاشته در درازی جوبار،
سد غلی دلچسپ به وجود آورده است تا کوچکتران خسته از همان کوچ
روزانه در سایهای ریاضایند و برای باعثداد دیگر تجدید قوا اکنند بر تارک
صخره‌ای زیبای ساخته کشیده در میراب و از راه کوچکتران، تکارکنندی
خود رسانی می‌کنند که به نام ممتازیرینو^۱ یا همایی انسان - ساخته
پندانه می‌شوند که اکنون با ۲۵ کیلومتر راستگی از شهر کرد در
مسیر شهر گرد - مسجد سليمان تا سوری و پس از ۱/۵ ساعت
راه دوردی و کوه پیماهی قابل دسترسن است.^{۲۸}

در باوری بازمندی از زمینی نامعلوم و آماهه چندان دیرین، در گاه
ن از آغاز دوره‌اره کوچ به شمال، پیر و جوان ما رجم و سنج پیش بدان
های خیانی کوچ بر مخاطره خود و ای خطر من کشند. آنان با پرتاب
در ریگ و سنج کوچک به بتایرینتو از شر اجته و شیاطین مسروهم
پیش باندا

ارکند شیرین

برکت سه پیکرخواشان می دهد. پیکرخواش اصلی از آن شخصیت و لایه ای است که برای ریکه نشسته است و دو نفر دیگر در حالت اختراام آمیز کنارش ایستادهاند. تکارگران چیزهای دست الیمانی ناهمواری های اینسانی صخره را در قابی فرضی که با ۲۰۰ سانتی متر درازا و ۱۴۵ س.م. بازندیک، به مستطیل است، چنان با تراش و حجاری پیکرخواخت می شوند. کامپیوترا و رایزر زیرین آن روزگاری تلقیه همراهانی پلچه لست و

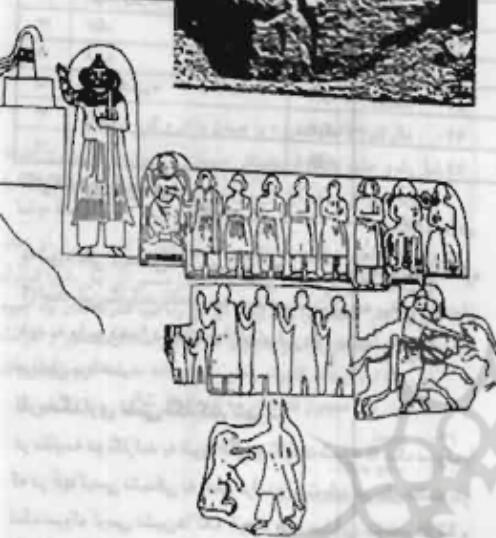
کوچکرایی که این راه همان گذرگاه دیرینه آنان است مسیر کوهستانی و صعب‌الپیور سوگل^{۱۱} تا جم قلعه^{۱۲} بازفت را به مدت ده شبانه روز طی مس کنند آنان در نزدیکی تکارکندهای شنگ بستان شیمار^{۱۳} یک شب استراحت می‌کنند و در مسیر خود تا رسیدن به چلو^{۱۴} یک روز در راه هستند و پس از استراحت شبانه در آنجا و گذر از ابادی موری وارگه یا بارگاه بعدی آنان شیرینی می‌است.^{۱۵}

و چنین خودگی که به موازات هم روتای موری را در پرگفتگویان با زبانهای صخره‌ای در شمال باختیاری به هم می‌پیوندد و فضایی چون ملاسی بن بست را به وجود می‌آورند. جویسار شیرین‌تو با آب شیرین خود گذراگاه صعب‌العبوری را در آن تنگ باریک به وجود آورده است که نشانهای بسیاری از اندیشه همبسته پیشی در غله بر ساختی‌ها به پادگار گذاشته که آستانه‌های منگی و بلکان سنتگرانشی شده و کوهبریهای سدودار آن جمله است با تماشی تلاش‌های نیکان پیختباری در راصازی، کوچک‌گران تنهای پس از یک شب استراحت و توان یابنی خود را آماده کوچ توانخراستشان می‌سازند آنان گلوا^{۶۰} و توف^{۶۱} با انسازی را پشت سر می‌گذارند در آنجا باقی تاریخی و فراموش شده از درختان میوه کهنه‌شال را زور نظاره می‌کنند به ساختی و باشتاب تمام گام برسی دارند تا بیش از غروب آفتاب به کناره بازرفت خروشان برستند و راه را گشیده، خود را باز بایست.

گذرگاه و نگارکند شیرینو
ایل رامها تا انجا که لازم بود سنجفرش شده است و با با دیوارهای
سنگی، به صورت حلقه بنای مناسب گذر کوچکگان و زاده های بو، شمار



نمای نایابی از نگارکن پویانه شیرین‌بوری



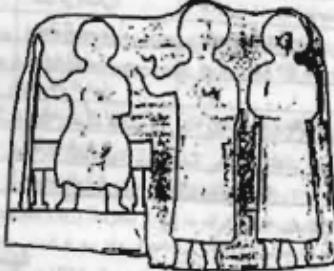
نمای نایابی شامل و شامل ماخنی نگار کد تگ سروک ۱۱

پیکره‌ها زمانی دراز آماده سنگ پریانی فراوان قرار گرفته است. افزون

بر آن پدیده‌های طبیعی و دگرگونیهای آب و هوایی نیز به روند تخریب نگارکند شتاب پیشیده است به گونه‌ای که از جزئیات پیکره‌ها چیزی دیده نمی‌شود. اینکه نگارکند دارای نیشهای بوده است را نمی‌توان ود کرد. هر چند که کوشش مباری دستیابی به بسته احتمالی به دلیل اسیب‌های فراوان نگارکندهای جای نرسید.^{۲۶}

پوشش شخصیت‌ها، شیوه ایستاندن، آریش مو و فرم کرسی و اریکه و شباht سیاری با دیگر نگارکندهای شناخته شده ایمایی را اشکان

من مسازد. قیا و تونیک بلند پویزه بر اندام دو نفر ایستانده که تنها کسی از پاهای آنان را می‌نمایاند. موهای پریشت در دو سوی صورت، چهره تمام رخ و نگاه روسرو، پسرهیز از جزئیات و نیز شیوه نشستن شخصیت‌های اصلی ما پاهای به طرفین، در دست گرفتن نیزه، نشتر بر سکو که هم در نگارکند شماره ^{۱۱} تگ سروک^{۲۷} و هم در نگارکندهای



اندیشه هرمندانه با طرح بر آن بوم صخره‌ای و تراش سخت جان گرفته است.

شخصیت نشته بر کرسی نقطه عطف این نگارکند است او که پیکره بر هیئتی دارد با چهره تمام رخ و نگاه روسرو بر کرسی چهار پایه‌ای نشسته است که تنها دو پایه از چهار پایه احتمالی آن که نشستنگاه سطحی دارد در نما دیده می‌شود. پایه‌های کرسی به صورت خراطی شده پنداشته می‌شوند پاهای این شخصیت به طرفین در سطح پایه کرسی است کرسی بر سکوی استوار است که ۷۷ سانتی متر دارای ۳۵ سانتیمتر بلندی دارد و در ۲۰ سانتیمتر زرقانایش داده شده است. این دست راست خود نیز طای را که به پرجستگی نمایانده شده، نگاهداشته است که در نگارکرسی بر سکو قرار گرفته است.

دو پیکره ایستانده نیز با چهره تمام رخ به روسرو نگاه می‌کنند پوشش آنها قیا با تونیک بلند و گشاد زیر را تو است که دارای چین‌های عمودی است. نفر نزدیک به شخصیت والا مقام ۱۵۲ سانتیمتر بلندی دارد که سرش از گادر و قاب فرضی بالاتر است اونیز تونیک بلندی بر تن دارد. بلندی نفر دیگر ۱۴۶ سانتیمتر است. نفر میانی پس از نفر بلند مرتبه از مقام و میزان بالایی برخوردار است همو با دست راستش به سوی شخصیت پرجسته چیزی تعلیم را در دست دارد. دست چپ او در جلو سینه بدد حالت احترام امیزی داده است.

آخرین نفر با قامی به بلندی ۱۴۶ سانتیمتر با دو دست به سینه در نهایت فروتنی ایستانده است. او موهای پریشتی دارد که در دو سوی صورتش دیده می‌شود و به او چهار پایه زنانه داده است. وجود احترام آمیز او صحنه را پر معنی ساخته است.

نام	جای بگار	سال انتشار	کاپیتال	نیاز ارزی (مبلغ تحویل)
لند پیانو	پیغمبر مسیح میخیان	۱۸۸۳	لایهار (کلکسیون)	۷
لند سروک ۱۹۲۶	پیانو	۱۸۸۳	دورو (زرس)	۷
لندک لاز (غوردوی)	دست اپناد	۱۸۸۷	لایهار (کلکسیون)	۷
لندک لیمال و دنک	دست اپناد	۱۸۸۷	میر (کلکسیون)	۷
لندک لاراطلی و دنک	دست اپناد	۱۸۸۷	من (کلکسیون)	۷
لند داده	دست اپناد	۱۸۸۷	ویندیرک (لندن)	۷
لندک داده (لندن)	لایهار در زیر (نمودنگ سلسله)	۱۸۸۷	کلار سارتف کل دزم	۷
لندک لارا	لایهار در زیر (نمودنگ سلسله)	۱۸۸۷	ویندیرک (لندن)	۷
برمنشلد	مسجد سلسله	۱۸۹۳	گریلس (لندن)	۷
سر سندھ	مسجد سلسله	۱۸۹۵	گریلس (لندن)	۷
سر سون هر برلن	مسجد سلسله	۱۸۹۵	جزیعی افروز، فرش و پرالباسان	۷
لندک لاز	دست اپناد	۱۸۹۷	جزیعی افروز، فرش و پرالباسان	۷
لندک	مسجد سلسله	۱۸۹۷	شیخ من (کلکسیون)	۷
لندن	دست اپناد	۱۸۹۷	جنوی سونگ لارا	۷
لندنک	مسجد سلسله	۱۸۹۷	دورو (لندن)	۷
لندن	دست اپناد	۱۸۹۷	سون اکاتونی با علاج بر شده است	۷
لندن	باصره اپناد	۱۸۹۷	سون اکاتونی با علاج بر شده است	۷
لندنک	باصره اپناد	۱۸۹۷	شرکت مکان گل زرمه	۷
لندن	موری بازافت	۱۸۹۷	سونه (لندن)	۷
لندن	بازافت	۱۸۹۷	سونه (لندن)	۷

نگارکندهای الیمپیک

یانہ شنبہ

۱- واژه نگارکند کنید Negar کار را در برابر نقش پرچمته و هجارتی، که هنر
کنند، نگاری بر صالی سنگ و صخره است. (با تنهاییات و آماده سازی
اولیه) برگردانید: این واژه «بیرین» را ماهیار توانی پیشنهاد کرده است.

سال دوم، شماره چهارم، سال ۱۳۹۶، صفحه ۲۲-۴۷.
ماهیار نوایی، پیغمبر، خوش کند - Novi Kand - نگارگردان، پژوهشگاه

۲- پنجمین بار
۳- در سال ۱۸۵۰ م.

Layard, *Assyrian Library*, "Early Adventures In Persia Susiana and Babylonia"

۱۸۹۷، لندن،
ز - بکسلز (X + KCl) از (II) تلثه می‌گذارد همچوین: خالو Xales

مفتانی دایی که ان را هالو (halo) می‌گویند و دیا خرم‌گاه که پیدان هر بر ما
می‌گردند و بر هر کس هر راه تنظیم می‌کنند همچون: خونگ که هرگز مم
می‌گوشند چون: خونگ ازد (خونگ ازد) به واسطه زدنگی طاییده
نوروزی (از گورابی های هلت لئک پختنیاری) در آنجا، خونگ نوروزی یا
خونگ نوروزی هم می‌گوشند.

ش مالمیر (Malmir) خلاصه علی امیر (Mal Amir) به معنای سرای امیر است.
این نام پس از نام ایله تک (Maghrib) و آذوق (Az-Sud) هشتاد هجری که
پاپاخت اتابکان لر بزرگ شد به معنای سرای را کاخ شاه و امیر (پاپاخت)
نامیده شد. و در زمان پهلوی از سال ۱۳۲۰ رسمیاً "آبدان" نامیده، شده ولی
همچنان مردم آنچه را مالمیر باید عالمیر می‌دانند نام باستانی ایله
در دور ایلام نز آباییر (Asyir) است. که در سنگ نوشته‌گور فره بستان
اشتاً شده است.

۶- در اینجا با نگارندهای اسلامی اشکفت سلمان و گرل فره بزرگردید:

Layard, A.H., 'Description of the Province of Khorasan', Journal of the Royal Geographical Society, Vol. XXV, London, 1855, pp. 30-50.

۷- شیمار Shimbur ساده شده شیرین پهار Shirin Baker است که ترکیبی در بیان خرس و سرسریزی و پر طرفه بردن آنچه در پهاران و هنگاهه کرج به سلاق است.

نکار گذهای بیانی
نمای شماره پنجم: همروز نکار گذهای شاخته شده و نرباتهای انسانی
به شووه‌الگن دیده می‌شود را می‌توان ثابت کرد.^(۱) (بگرید به نمای شماره ۳) اینکه این نکار گذد باعمن چه رویدادی است؟ و چه پیامی را زیر مل جو خود به ما می‌دهد؟ در هالیوود از اینها فرار دارد و تنها به قریبته بدارد
هر چنان پرداخت.

تاریخ‌گذاری، نسی، نگارگرد شیراز

در مقایسه دو نگارکنده شوههای اکی و نگارکنده شماره ۱۱ نگار روک که در آنها کرسی نشینیان به نقش درآمده است باید در نظر داشت. نگار روک کرسی نشین‌ها کلاه خود و هاله میترالی بر سر دارند و روپاها از اویخه بر فراز شانه‌هایشان آنان را ایزدیان ایرانی می‌نمایاند که در یک مراسم آئینی تنقید قدرت به آردشاده که بین سده‌های یکم تا

سوم میلادی تاریخ‌گذاری سده سمت، بود. میلادی
گرس نشیان‌الکی بسته‌جای های را روپهای ای اویخته از دو سوی
چهراهایشان بر سر خارند که از نشانه‌های خدابین است در نگارنده
شیرینه سوی راه رونهای ای ویخت احتمال دهیم و نتیجه را که ا
نمادهای ایزدی است با دقت من توان دریافت که با توجه به اینکه د
مسیر مساز از شیسمار تا زرده پس از نگارندهای شیسمار که بین
۷۵-۲۰ میلادی تاریخ‌گذاری می‌شود در تزیینی نگارندهای
بردید کوهه تنما^۱ و تاراز^۲ که پیروان سده‌های نخست و دوم میلادی
تاریخ‌گذاری شده‌اند، که نگارنده شیرینه پس رامی توان می‌دانی از
شاخص ایمانی سده نخست و دوم میلادی در بردار یک ایزد ایلامی

این نگارکند از دیدگاه باستان‌شناسی کنکاش بیشتری را پیرامون آثار دوره ایلامی در بازفت من مطلب و چون مسیار آسیب دیده است تمهیمات حفاظتی، بیشتری نیاز دارد.^{۲۲}

سهری اسلامی مسکن از ساخته های اسلامی که اینچ گیری در پیشگیری پاسان شناسی سال ۱۳۶۹ شناسایی شده است که گذشت تاریخی بازالت را روشن می کند.	- ۱۹ -
تله الای - ۲۰۰۰ - سنتی و اولی	- ۲۰ -
۱۷- سرمه های بازالت، کوهرنگ، سبزکوه، موچ و کت و ...	- ۲۱ -
۱۸- قره، قله، کوه، از عدای آشیان است که بررسی از بختیاریها (به ویره شیرینی) (ها) پرسنوندی های آشیان می کویند.	- ۲۲ -
۱۹- گرج شنبی امروزه بختیاریهاست که از روزگار ایامگان نموده هشتم دکوبار نوادرگیر شده است.	- ۲۳ -
Mowri	- ۲۴ -
Beldevaran	- ۲۵ -
Habibi	- ۲۶ -
Hala Ahmadi	- ۲۷ -
Mosar	- ۲۸ -
Zandek	- ۲۹ -
۲۴- مال کفرن (مال کلدن = بر چیدن چادر و گوچ گردن).	- ۳۰ -
۲۵- ایل راه و جاده، سکنگش باستانی دیوارهای دیوارت (مسیر راه چند دید ایله به شهر کرد) (۱) و ایل راه سوسن - پل خدا آنمری نیز از دیگر راه ها است.	- ۳۱ -
۲۶- پیش از سلطه خواریان بختیاری و رسیت آنان و گاهی پس از آن زمان طایف سلطنه بر ایل - راه دست کم در مسیر آن ایل راه را کنترل می کرد و بر طایفه های دیگری که آن ایل راه تنها گذراگاهشان بوده چیزه های شنیدن ایامگان گوشش بسیاری صرف پل سازی، تعمیر و مرمت ایل راهها گردیده بودند. کار و اسرای هایی به نام قلعه مدرسه در مسیر پذیرای ساقوان بوده، همچون قلعه مدرسه تزویج پل شالو.	- ۳۲ -
Sogol	- ۳۳ -
Cham qale	- ۳۴ -
Tang-e-Bala Shahr	- ۳۵ -
Chale	- ۳۶ -
۲۷- از انجیانی که پلها و جاده ها در زستان خراب می شدند ظاهراً در موقع خرابی مسیر شیرینتو کوچکگران در تاریخ امیر دیگری در مسیر شمال باختیری تا بازالت ادامه می داشته.	- ۳۷ -
Shir - Mowri	- ۳۸ -
Garrow	- ۳۹ -
ترف	- ۴۰ -
Bata Shahrine	- ۴۱ -
۲۸- چند سال است که جهادگران استان چهار محال و بختیاری در مسیر ایل راه دیگریهای برجهسته تر از نگارگرد شنگ سوری است. دیگر به غرب استان باز نکند.	- ۴۲ -
بررسی بازلت همدان نیمه تمام است.	- ۴۳ -
Tang-e-Urmak	- ۴۴ -
نگارگرد المک برجهسته تر از نگارگرد شنگ سوری است.	- ۴۵ -
Kek-e-Tira	- ۴۶ -
Tara	- ۴۷ -
۲۹- آقایان، سید جانب الهی مردم شناس، اردشیر اخوندی مدیر کتوئی میراث فرهنگی استان چهار محال بختیاری و علی اصغر سوروزی دانشجوی پاسان شناسی که در این برنامه مرآ همراهی کردند و هست کوچکگران میمهان اشاره داری بختیاری که با مرسنیت تمام اخرين جهادگرها	- ۴۸ -

به یک منبع مهم در راه ره با تکاری کند تک پان شیپار پندره به:
 lar, A.D. and Shaked, S. - "The Inscription of Shikmar, Bulletin of the
 School of Oriental and African Studies, Vol VIII , London, 1964, pp.265-290.

-A-
 پنگرید به:
 de Bois, Clement Auguste, Baring, "Travels in Luristan and Arabistan,
 1844, London.

کنسن پس از آن در سال ۱۲۹۶ قمری میرزا حسن حبیب لشای
 طرحی ایندیانی از تکاری کند ایرانی از جمله تنگ سروک نهاد که
 پنگرید به: فرمت الدوّلہ، محمد نصیر حبیب، آثار العجم، (چاپ دو
 از روی چاپ سنگی بینی ۱۲۹۷ قمری) تهران، ۱۳۴۰، انتشارات
 فرهنگسرای اسلامی.

-B-
 Behnam, R. Textes Sauvages de Band-e Neshanish et Majid - à Soleman,
 Mémoires de la délégation archéologique en Iran, Vol. -m Vol 1 Texte Persan
 76, pp. 179 Sq.

۱۰- پنگرید به: کارگر سفرخواز، علی الکبر، آیا مسجد سبلمان یکی باشد گاه شهر
 است؟ مجله بنایهای تاریخی شماره اول (نهایا شماره)، سال ۱۳۰۷
 صفحه ۱-۲۷. (این جایگاه کلکه زیرین نام دارد، جم.)

۱۱- انتها یک گزارش خبری کوتاه به تعلق از تکاری کند، درباره تکاری کند شیرین
 در خود آمد، سال ۱۲۹۷ در روزنامه کیهان به چاپ رسیده است.
 خبرگزاری جمهوری اسلامی تیر بر پایی سال ۱۲۹۸ در گزارش راد
 تلویزیونی، هند پار خبر کشف تکاری کند شیرین را با اشتغالی در طر
 موضع از سدا و سیاسی جمهوری اسلامی ایران پخش کرد، عدها خ
 در روزنامه ها و نشریات دیگر چاپ شد. انتقاله درباره تکاری کند
 جزیئی تاکنون منتشر نشده است.

۱۲- تیس پیون در داشت سوسن، جایگاهی تاریخی است که در پهلو
 سده سازی کارون ۲ به زیر آب خواهد رفت و لی شایسته است سرا
 کارش در آینه اندیشه ای کرد. کوس شب من در مطالعه تیر به نام مهر
 از آن پاد کرد، است.

پنگرید به:

Shippmann, K., Notizie zu riaziens Indus-Bachtarbergen, Ant. Vol III,
 1970, pp.222-234.

۱۳- این سک تکاری، که جزوی از بنای یادگاهی در تکاری، جنوبی روستا
 در تزد پنگ روستایی موره تنگ زیر شال در هستان (نهایا روستا)
 پخش دهدز است به هنگام تولی کش گاز با بیل مکانیکی از زیر خا
 پدیدار شد. در پروردۀ سه کارون ۲ (شالو) مستقیم از آنجا را تکاری
 پروردۀ کرد، است. در باره چند عرف اینجا این آن مطابق به قارس پن
 شده است پنگرید به:

پشاش، رسول، کتبه ایسماعیل نقش برجهسته ایله، مجله میراث فرهنگی
 شماره ۱۲، تهران، ۱۳۷۳، صفحه ۵۹-۶۲.

۱۴- کامل ترین پژوهش درباره تکاری کند اندیشه ایسماعیل را واثن برق و شب
 تووشان اند. پنگرید به:

Anden Berge, X. Shippmann, K., Les Reliefs Rupestres D'Epoque parthe,
 5. Girs.

تا زیرین مطالعه درباره ایسماعیل ها را و ستارک تیس سرخوش نوشته اند
 پنگرید به:

Schrift Klaus Schippmann (Itinera Antiqua XXIX-XXX)

-C-
 Radot, "به بازافت، بازافت هم گفت من شوه که گشایه از مازار
 است. تکاری کند سروه را مازافت دیزین من اند که جایگاه
 مطالعه مازار تکاری کند،